

انسان و تاریخ



کنجکاوی، تمایل به پیشرفت و غیره مورد توجه او بوده است. بنابراین انسان‌ها از روزگاران دور به مطالعه و بررسی دربارهٔ گذشته‌های خود پرداخته و همواره تلاش کرده‌اند که سرگذشت خود و پیشینیان خویش را حفظ کرده و مانع از فراموش شدن آنها گردند. اما باید توجه داشت که این کار

هزاران سال از زندگی انسان بر روی کرهٔ زمین می‌گذرد. در این مدت وقایع بسیاری بر جوامع انسانی گذشته و تغییرات فراوانی در زندگی اجتماعی او به وجود آمده است. وقایع تلخ و شیرین و تغییراتی که در زندگی انسان رخ داده، به دلایلی نظیر علاقه‌مندی، دانش‌اندوزی،

با احتساب دوران کودکی، فقط حدود ۷۰ سال از تاریخ را دیده و بقیه گذشته (تاریخ) را که شامل هزاران سال پیش از او است، ندیده است. تقریباً کلیه پدیده‌های تاریخی هم که در گذشته وجود داشته‌اند، اکنون وجود ندارند؛ یعنی مشاهده مستقیم آنها ممکن نیست و به همین جهت تنها راه مطالعه گذشته‌ها مشاهده غیرمستقیم است که با کمک ابزارها و روش‌های ویژه و با استفاده از اخبار و آثار صورت می‌گیرد و چون این کار با کمک عقل صورت می‌پذیرد، به آن تجربه عقلی می‌گویند. در این کتاب با برخی از ابزارها و شیوه‌های مطالعه گذشته آشنا خواهید شد.

تجربه تکرار ناپذیر

دانشمندان در بسیاری از علوم، این امکان را دارند که مطالعات خود را بارها تکرار نمایند تا به شناسایی بهتر پدیده‌ها دست یابند. به عبارت دیگر می‌توانند تجربه را تکرار کنند. مثلاً فیزیکدانی که درباره چگونگی عبور نور از منشور مطالعه می‌کند، می‌تواند بارها آزمایش خود را تکرار نماید. او با انجام آزمایش‌های بی‌دری، اشتباهات خود را تصحیح می‌کند، مشاهده خود را دقیق‌تر می‌سازد و با جمع‌بندی مشاهدات خود، از آنها نتیجه‌گیری می‌نماید. در علوم تجربی تکرار تجربه فرصت مناسبی را برای مطالعه و بررسی به‌وجود می‌آورد.

به‌آسانی صورت نگرفته است؛ زیرا گذشته در چشم همه انسان‌ها یکسان جلوه نمی‌کند و همه آنها نیز از مطالعه گذشته در پی دستیابی به هدفی واحد نیستند. روش‌ها و شیوه‌های مطالعه درباره گذشته (تاریخ) نیز یکسان و آسان نیست و با روش‌های مطالعه در سایر علوم متفاوت است.

تاریخ و مشاهده غیرمستقیم آن

روش مطالعه در برخی از علوم، مشاهده مستقیم است، در این روش، پژوهشگر می‌تواند بدون واسطه به مشاهده و مطالعه پدیده‌های موردنظر خویش بپردازد، از آنها تصویر تهیه کند، اندازه‌گیری نماید و خواص آنها را معین سازد. بنابراین روش مشاهده مستقیم، در علوم تجربی کاربرد بسیار دارد و درحقیقت، این‌گونه علوم، مبتنی بر تجربه حسی هستند.

در علوم انسانی روش بررسی موضوعات و تحقیق پیرامون آنها به‌گونه‌ای دیگر است. در تاریخ که یکی از شاخه‌های علوم انسانی است، بیشتر با روش مشاهده غیرمستقیم به مطالعه پدیده‌ها می‌پردازند، زیرا موضوع مطالعات تاریخی در دسترس پژوهشگر نیست و مربوط به گذشته است. اما در علوم تجربی پدیده‌های مورد مطالعه در زمان حال وجود دارند. گذشته بشر (تاریخ) بسیار طولانی است و هر انسانی می‌تواند تنها بیننده بخش اندکی از این گذشته باشد. مثلاً انسانی که ۷۰ سال از سن او گذشته است، حتی

مواد، گیاهان، جانوران و جسم انسان سروکار دارند؛ اما علوم انسانی به جامعه، فرهنگ، زبان و روان و اندیشهٔ انسانی توجه دارد. تاریخ از رشته‌های علوم انسانی است.

در علوم تجربی امکان مطالعه و بررسی پدیده‌ها با استفاده از معیارهای قابل اندازه‌گیری وجود دارد. دانشمندان این دسته از علوم می‌توانند با به کارگیری ابزارها و روش‌های خاص خود در آزمایشگاه‌ها نتایج مشخص و معین به دست آورند و این نتایج را بارها مورد آزمایش قرار دهند؛ به طوری که همگان در مورد این نتایج متفق‌القول باشند. این امر به پیدایش قانون منجر می‌شود؛ قانونی علمی که قابل تعمیم بر تجربه‌های همانند است. در این دسته از علوم هیچ‌گونه رابطهٔ شخصی یا حب و بغض بین دانشمند و پدیدهٔ مورد مطالعهٔ او وجود ندارد. مثلاً شیمی دان نسبت به عناصر مواد مورد مطالعه‌اش احساس خشم یا دوستی ندارد.

اما در علوم انسانی و به ویژه در علم تاریخ، وضع با علوم تجربی متفاوت است. علم تاریخ با جوامع انسانی سروکار دارد. انسان‌ها از این جهت که اجزای جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند، جزئی از وقایع تاریخی هستند، آن‌را به وجود می‌آورند، از آن تأثیر می‌پذیرند و خود به مطالعهٔ آن می‌پردازند. وقتی انسان به گذشته‌ها می‌نگرد نمی‌تواند از احساسات، عواطف، علایق و اهداف خود برکنار

پدیده‌های تاریخی از نوع تجربهٔ تکرارناپذیر هستند. به این معنی که پدیده‌های تاریخی در زمان گذشته یک بار اتفاق افتاده‌اند و دیگر امکان تکرار آنها به همان شکل نخستین وجود ندارد. مثلاً در سال ۹۲۰ ق. شاه اسماعیل یکم، پادشاه صفوی، در محلی به نام چالدران، با سلطان سلیم یکم، پادشاه عثمانی، جنگید و به دلایل گوناگون شکست خورد. این واقعه (جنگ چالدران) دیگر قابل تکرار نیست.

با طرح این نکته ممکن است تصور کنید محتوای بسیاری از کتاب‌های تاریخی قابل اعتماد نیستند و یا بپرسید: «پس مورخان چگونه تاریخ هر دوره یا حادثه را می‌نویسند؟» در این کتاب کوشیده‌ایم شما را با برخی از شیوه‌هایی که مورخان در بازسازی رویدادهای تاریخی به کار می‌برند، آشنا سازیم؛ تا هم آموخته‌های سال‌های گذشته شما تعمیق یابد، هم با دورنمای حرفهٔ تاریخ‌نگاری آشنا شوید و هم با فراگیری این شیوه‌ها در آینده بتوانید مستقلاً به مطالعه و پژوهش در تاریخ بپردازید.

تاریخ به عنوان شعبه‌ای از علوم انسانی

دانش بشری به شعبه‌هایی نظیر علوم انسانی، علوم تجربی و غیره تقسیم و طبقه‌بندی شده است. هر دسته از این علوم خصوصیات و روش‌های خاص خود را دارند. علوم تجربی از قبیل شیمی و زیست‌شناسی با پدیده‌هایی مانند

باشد، چرا که در جست‌وجوی گذشته‌جامعه خویش است.

هم‌چنین هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند به گونه‌ای همه‌جانبه و دقیق درباره علل و انگیزه اعمالی که انسان‌ها در گذشته براساس اهداف، اندیشه‌ها و خواسته‌های خود انجام داده‌اند، اظهارنظر کند؛ بلکه هرکس به اندازه شناخت و براساس علاقه‌ای که نسبت به بخشی از رخداد‌های گذشته دارد، اظهارنظر می‌کند. به همین جهت نتایج مطالعات تاریخی افراد مختلف درباره موضوعی واحد کاملاً یکسان نیست و قضاوت‌ها ممکن است باهم متفاوت باشند. بنابراین نتایج حاصل از مطالعه پدیده‌های تاریخی، نسبی است.



نمونه‌هایی از مکتوبات



نمونه‌هایی از محسوسات

چگونه از گذشته‌ها مطلع می‌شویم؟

گذشته طولانی بشر دربردارنده رخداد‌های بسیاری است که هیچ‌کس نتوانسته است تمامی آنها را ببیند. حتی رویدادهای زمان حال را نیز، همه نمی‌توانند مشاهده کنند؛ زیرا این رویدادها در سرزمین‌های دور و نزدیک روی می‌دهند و تنها آگاهی‌های اندکی درباره آنها از طریق وسایل ارتباط جمعی به دست می‌آید. برای کسب اطلاع از گذشته‌ها چهار دسته منابع اطلاعاتی وجود دارد که همه آنها باهم مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چهار دسته عبارتند از:

۱- منقولات: شامل داستان‌ها،

افسانه‌ها، خاطرات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها و به‌ویژه اسطوره‌ها. معمولاً منقولات با گذشت زمان به صورت مکتوب درمی‌آیند.

۲- محسوسات: شامل بناها، ابزارها، نقش‌ها، سکه‌ها.

۳- مکتوبات: شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، سفرنامه‌ها، کتیبه‌ها، سندها، نامه‌ها.

۴- معقولات: معقولات، هر نوع استنباطی است که انسان از طریق استدلال یا تخیل برای درک گذشته یا تکمیل و تصحیح اطلاعات خود درباره گذشته انجام می‌دهد.



به نظر شما تصاویر قدیمی جزء کدام دسته از منابع به شمار می‌آیند؟

تاریخ به عنوان حافظهٔ جامعهٔ بشری

جامعهٔ بشری گذشته‌ای طولانی را پشت سر گذاشته است و نیز آینده‌ای طولانی در پیش رو دارد. مرز میان گذشته و آینده، زمان حال است. شکی نیست که مدت زمان حال در مقایسه با گذشته یا آینده، کوتاه است. می‌توان گفت «حال، زمان ناپایداری است که به گذشته تبدیل می‌شود؛» اگر زمان گذشته را با آینده مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که آینده دربردارندهٔ «امید»ها و «امکان»ها است؛ اما گذشته دربردارندهٔ وقایع و رخدادها. به عبارت دیگر، گذشته دربرگیرندهٔ رخدادهای واقعی است، بدین معنی که هر پدیده‌ای به شکلی خاص در زمان گذشته رخ داده است. به همین جهت ثروت حقیقی بشر که همان تمدن است، از گذشته به امروز رسیده است. انسان در طول سال‌های بسیاری که بر او گذشته است، اکتشاف‌ها، اختراع‌ها، تجربه‌ها و به‌طور کلی دستاوردهای خود را برهم انباشته نموده که تمدن کنونی، نتیجهٔ آن است. اگر در هر زمانی دستاوردهای بشر به‌دست فراموشی سپرده می‌شد، امکان تکمیل و توسعهٔ آن وجود نداشت و تمدن امروزی به‌وجود نمی‌آمد.

مورخ کیست؟

با توجه به اهمیت اطلاع از گذشته برای انسان، از روزگاران دور، افرادی در جوامع بشری به ثبت و ضبط وقایع و نقل آنها به دیگران می‌پرداخته‌اند. به کسانی که وقایع تاریخی را فرامی‌گرفتند، و آن را با بیانی شیرین و با گرمی و شور خاصی برای دیگران بازگو می‌کردند، **نقال** و **قصه‌گو** می‌گفتند. مردم نیز در مراسم مختلف، در مواقع فراغت و استراحت پای سخن آنان می‌نشستند. نقال‌ها و قصه‌گوها باید حافظهٔ بسیار قوی می‌داشتند تا آنچه را دیده یا شنیده بودند، به‌خاطر بسپارند؛ وگرنه ممکن بود آنها را تغییر دهند یا فراموش کنند.

از آن‌جا که یادآوری وقایع تلخ و شیرین گذشته و بیان شرح اقدامات قهرمانان و بزرگان برای نسل جوان ارزش تربیتی بسیار داشته است و نیز استحکام زندگی اجتماعی با حفظ تجربه‌های گذشتگان ممکن بوده است، معمولاً افراد دنیا دیده و **کهن‌سال**، حافظ **خاطرهٔ تاریخی** و سنت‌های مردم جامعهٔ خویش می‌شدند. آنان در طول زندگی طولانی خود شاهد وقایع بسیار بودند و از پیشینیان،

در ابتدا مورخان فقط آنچه را دیده یا شنیده بودند، می‌نوشتند. یعنی آنها آنچه را خود به چشم می‌دیدند یا اخباری را که سینه به سینه نقل شده بود، به صورت کتاب تاریخ درمی‌آوردند. با گذشت زمان، کتاب‌های تاریخی و مطالب آنها افزایش فراوان یافت و بر طول تاریخ بشر نیز افزوده شد. به همین جهت گروهی از مورخان به نوشتن آنچه می‌بینند یا اخباری که می‌شنوند، اکتفا نمی‌کنند، بلکه به تحقیق در مطالب کتاب‌های تاریخی و تصحیح و تحلیل آنها می‌پردازند. در حقیقت آنها پژوهشگر تاریخ هستند. امروزه به دلیل گسترش حوزه علم تاریخ و توسعه روش‌های آن، تحقیق درباره تاریخ و تدریس آن به صورت حرفه‌ای تخصصی درآمده است. چنان‌که گروهی به عنوان دبیر تاریخ و گروهی دیگر به عنوان استاد تاریخ و افراد بسیاری نیز به عنوان پژوهشگر و کارشناس تاریخ در مؤسسات گوناگون به کار می‌پردازند.

اهمیت کار مورخان

وقایعی که در اجتماع رخ می‌دهند، همواره در معرض خطر فراموشی قرار دارند؛ مگر آن‌که کسانی اقدام به ثبت و ضبط آنها نمایند. یکی از کارهای مورخان، حفظ گذشته‌ها و وقایع مربوط به آنها است. در حقیقت آنان نگهبانان میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر هستند. بدون وجود مورخان، وقایع تاریخی در انزوا، سکوت و فراموشی قرار می‌گیرند. بنابراین مورخان زبان

اخبار گذشته مردم خود را فراگرفته بودند. در این حال سنت‌گرایی مهم‌ترین نتیجه توجه به تاریخ بود. تا زمانی که خط اختراع نشده بود، حافظه نقالان و سنت‌گرایی کهن‌سالان مهم‌ترین عوامل حفظ و توجه انسان به تاریخ بود.

پس از اختراع خط، ثبت تاریخ و انتقال آن با دقت بیشتری صورت گرفت. اطلاعات تاریخی انسان‌ها نیز به دلیل گذشت زمان و افزایش روابط میان آنها بیشتر شده بود. لذا پس از اختراع خط، علاوه بر نقالان و قصه‌گویان، عده‌ای به عنوان واقعه‌نویس یا تاریخ‌نویس به نوشتن شرح رخدادها می‌پرداختند. آنان علاوه بر شرح رویدادها، به ثبت تاریخ (زمان و وقوع) آنها نیز توجه داشتند. در حقیقت آنان علاوه بر تاریخ‌نویسی، منجم نیز بودند و به محاسبه و تنظیم تقویم نیز می‌پرداختند بدین ترتیب کارهای مربوط به تاریخ، نجوم و تقویم معمولاً به دست یک نفر انجام می‌شد. لازم است توجه داشته باشید که تاریخ در لغت به معنای تعیین وقت و وقوع یک رویداد است، اما در مفهومی گسترده، تاریخ دانشی است که علاوه بر تعیین وقت رخدادها به شرح، تحلیل و تفسیر آنها نیز می‌پردازد. برای نمونه هنگامی که می‌گوییم سلسله صفویه در سال ۹۰۷ ق. تأسیس شد، وقت را بیان می‌کنیم، اما وقتی به بررسی چگونگی تأسیس این سلسله و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم، تاریخ معنای فراتر از تعیین وقت می‌یابد.

گویای وقایع می‌شوند و آنها را از فراموشی و نابودی رهایی می‌بخشند.

کار مورخ برای حفظ اخبار و انتقال آن، کار ساده‌ای نیست، زیرا همه آنچه در طول تاریخ رخ داده، قابلیت و ضرورت ثبت، حفظ و انتقال به دیگران را ندارد؛ بلکه تنها خبرهای مهم و باارزش و مؤثر در زندگی بشر ارزش ثبت و ضبط را دارند. تشخیص این‌که کدام خبر مهم، با ارزش و مؤثر است یا دلایل و ملاک‌های اهمیت ارزش و تأثیر کدام است، کار مورخ است. به عبارت دیگر مورخ باید بتواند گزینش و گزارش دقیق و حساب شده‌ای در مورد وقایع انجام دهد تا زبان گویا و بازگوکننده‌ی راستین گذشته‌ها باشد. او باید بتواند اخبار صحیح را از غلط، راست را از دروغ، مهم را از غیرمهم و مفید را از غیرمفید تشخیص دهد؛ زیرا او به‌عنوان شخص مورد اعتماد و امین گروه‌کنیری خواهد بود که به دانش و بینش و روش او اعتماد کرده‌اند.

مورخ علاوه بر ضبط و نقل گذشته‌ها و گزینش در آنها، باید به بازگویی و شرح و توضیح تاریخ نیز بپردازد، زیرا جامعه و فرهنگ بشری مدام در حال تحول و تغییر است. این تحول و تغییر موجب می‌شود شرایط فکری و زیستی مردم از یک زمان نسبت به زمان دیگر متفاوت گردد. این تفاوت موجب جدایی میان جوامع در طول زمان می‌شود؛ تا جایی که ممکن است میان مردمان گذشته با مردم امروز هم‌فکری و هم‌زبانی

وجود نداشته باشد. در چنین حالتی درک واقعی اوضاع و احوال گذشته برای عموم مردم مشکل و یا غیرممکن می‌گردد. در نتیجه لازم است رابطی میان گذشته و حال وجود داشته باشد تا اخبار و حوادث معتبر و صحیح گذشته را به نسل حاضر انتقال دهد و به توضیح و تفسیر فرهنگ و تمدن گذشته بپردازد. این رابط همان مورخ است که با کمک دانش و فن خویش ارتباط همگان را با دنیای گذشته ممکن می‌سازد.

صفات مورخان

وقتی مورخ به تاریخ‌نویسی می‌پردازد، در واقع گذشته را بازگویی می‌کند. در این بازگویی نخستین صفت یک مورخ، راستگویی است. مورخی که دروغ بگوید، موجب اشتباه و تحریف در تاریخ می‌شود و مردم را به گمراهی می‌کشاند. راستگویی مورخ به معنای امانداری او در نقل صحیح رخدادهای تاریخی است. بهترین مورخان کسانی هستند که در نقل تاریخ راستگو و امانتدار باشند.

دیگر صفت یک مورخ، حقیقت‌جویی است. مورخ باید جویای حقیقت باشد. او با مطالعه در وقایع و سرگذشت افراد و جوامع به قضاوت درباره آنها می‌پردازد. بنابراین باید بتواند ابتدا تصویری نسبتاً همه‌جانبه از گذشته یک جامعه ارائه دهد و سپس درباره آن داوری کند. در حقیقت مورخ مانند یک قاضی است. بهترین

خصوصیتی که یک قاضی باید داشته باشد، عدالت است. بنابراین سومین صفت یک مورخ به عنوان قاضی اعمال گذشتگان، عدالت او است.

پس از راستگویی، حقیقت‌جویی و عدالت، چهارمین صفت مورخ داشتن دانش گسترده می‌باشد. مطالعه گذشته مستلزم مطالعه و تحقیق فراوان است. با دانش اندک و معلومات ناقص کسی نمی‌تواند مورخ شود. مورخ باید درباره موضوعی که تحقیق می‌کند سال‌ها مطالعه کند؛ همه اطلاعات موجود درباره آن را گرد آورد و از هیچ نکته‌ای چشم‌پوشی ننماید. بدین ترتیب او اطلاعات و اخبار بسیاری را جمع‌آوری می‌کند. هر قدر اطلاعات تاریخی مورخ بیشتر باشد، موجب اشراف و آگاهی عمیق‌تر او از موضوع مورد مطالعه خواهد شد.

دانشی که مورخ بایستی از آن برخوردار باشد، محدود به مطالعات تاریخی نیست، بلکه باید به علوم مرتبط با تاریخ نیز دسترسی و اطلاع داشته باشد. جغرافیا، جامعه‌شناسی، ادبیات، فلسفه، باستان‌شناسی، علوم سیاسی و به‌طور کلی علوم انسانی، همه علوم کاربردی در تاریخ دارند. هم‌چنان‌که تاریخ به این علوم کمک بسیار می‌کند، مورخ نیز با استفاده از آنها می‌تواند به درک بهتر تاریخ و تبیین و تفسیر رویدادها بپردازد. به عنوان مثال، آشنایی با ادبیات، مورخ را به فهم درست متون قدیمی تاریخی و درک مطالب تاریخی نهفته

در آثار ادبی (دیوان‌های شعر و...) قادر می‌سازد. بنابراین تاریخ‌نویسی بدون اطلاع از دیگر علوم مورد نیاز غیرممکن است.

دانش مورخ هنگامی تکمیل می‌شود که علاوه بر علوم انسانی، از دستاوردهای علوم دیگر نیز برای تکمیل دانسته‌های خود استفاده کند. زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، شیمی، پزشکی و نجوم هر یک دارای دستاوردهایی هستند که برای مورخ مفید است. مثلاً او با کمک نجوم، تقویم و زمان را می‌شناسد و به وسیله زمین‌شناسی از عمر زمین و تاریخ آن مطلع می‌شود.

دیگر صفت یک مورخ داشتن قدرت اندیشه و تفکر (تجزیه و تحلیل) است. مورخ تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر خود را با اندیشیدن و فکر کردن همراه می‌سازد تا نتیجه‌ای مطلوب به دست آورد. بدون اندیشه و تفکر، کار مورخ بیهوده و بی‌فایده خواهد بود.

سرانجام مورخ این اندیشه‌ها و آگاهی‌ها را می‌نویسد. بنابراین ششمین ویژگی مورخ، توانایی درست نوشتن است تا بتواند دستاورد پژوهش خویش را به گونه‌ای مطلوب عرضه کند.^۱

مورخان چگونه تاریخ می‌نویسند؟

مورخان برای نوشتن یک کتاب تاریخ، ماه‌ها و سال‌ها به تحقیق می‌پردازند و از اطلاعات و متون و وسایل گوناگون بهره می‌گیرند.

۱- در درس چهاردهم با برخی از مورخان آشنا خواهید شد.



مسعودی نویسنده شهیر قرن چهارم هجری قمری و دکتر عبدالحسین زرین کوب (متوفی در سال ۱۳۷۸) دو نمونه از مورخان برجسته به شمار می آیند.

دیدن کند و با اشخاصی که از موضوع اطلاعاتی داشته باشند، به گفت‌وگو بپردازد (منقولات). مورخ سپس به تفکر درباره اخبار گرد آمده و قضاوت درباره آن می‌پردازد. اخبار غلط و دروغ را کنار می‌گذارد و اخبار صحیح و قابل اعتماد را برمی‌گزیند. این مرحله، مرحله سنجش و گزینش اخبار تاریخی است.

نخستین مرحله کار مورخ در زمینه پژوهش تاریخی، انتخاب موضوع است. مرحله بعد جست‌وجوی مطالب مربوط به آن موضوع است. برای این کار باید تا حد امکان به نوشته‌هایی که درباره موضوع اطلاعاتی دارند (مکتوبات)، مراجعه کند و اگر آثاری تاریخی درباره آن موضوع باقی مانده است (محسوسات)، از آن

فکر کنید و پاسخ دهید ✓

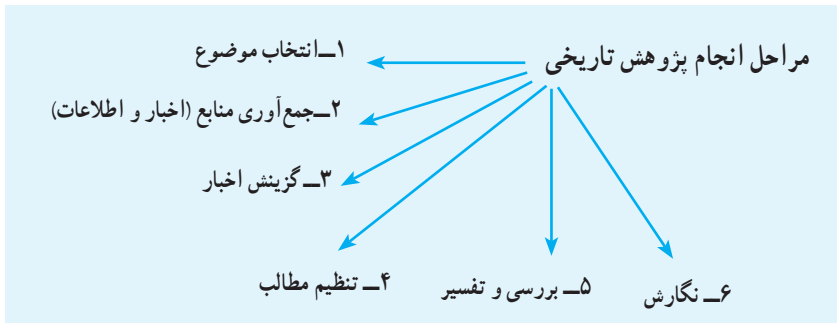
تاریخ‌نویس با چه شیوه‌هایی منقولات را جمع‌آوری می‌کند؟

شرط اساسی کار او است. پس از سنجش و گزینش، مورخ به تنظیم اخبار می‌پردازد. او این

در مراحل قبلی مورخ تلاش و جست‌وجوی فراوان کرده است و در این مرحله دقت و حوصله،

کار را بر اساس ترتیب زمانی وقایع و نیز ارتباط میان آنها انجام می‌دهد. تجربه و توانایی فکری مورخ در طراحی و برنامه‌ریزی، در این مرحله نقش بسیار مهمی دارد. بدین ترتیب او تمامی اطلاعات صحیح گردآوری شده را منظم می‌کند و پس از بررسی و تفسیر آنها (معقولات)، به آخرین مرحله کار، یعنی «نگارش» مطالب جمع‌آوری شده به همراه اظهار نظرها، نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات، می‌رسد.

کار را بر اساس ترتیب زمانی وقایع و نیز ارتباط میان آنها انجام می‌دهد. تجربه و توانایی فکری مورخ در طراحی و برنامه‌ریزی، در این مرحله نقش بسیار مهمی دارد. بدین ترتیب او تمامی اطلاعات صحیح گردآوری شده را منظم می‌کند و پس از بررسی و تفسیر آنها (معقولات)، به آخرین مرحله کار، یعنی «نگارش» مطالب جمع‌آوری شده به همراه اظهار نظرها، نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات، می‌رسد.



بیشتر بدانید

پیوند جامعه‌شناسی با تاریخ

جامعه‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که از قوانین زندگی اجتماعی انسان و پدیده‌های اجتماعی - انسانی و تحول آنها در ارتباط با حیات اجتماعی بحث می‌کند. جامعه‌شناسی به نتیجه مطالعات تاریخی توجه دارد و بسیاری از تجزیه و تحلیل‌هایی که در جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد، مبتنی بر شناخت و اطلاعاتی است که از گذشته جوامع به دست آمده است. سخن آنتونی گیدنز جامعه‌شناس خالی از فایده نیست، وی می‌گوید: تغییراتی که در شیوه‌های زندگی انسان از دوست سال پیش تا به حال اتفاق افتاده بسیار فراگیر بوده است، مثلاً امروزه ما شاهد شهرهای بزرگ با جمعیت‌ها و ساختمان‌های بسیار زیاد و گسترده هستیم، اما در دوران‌های گذشته هرگز چنین نبوده؛ بلکه انسان‌ها در گروه‌های کوچک و در اجتماعات روستایی زندگی

می‌کرده‌اند. حتی در اوج پیشرفته‌ترین تمدن‌های کهن مانند روم باستان کمتر از ۱۰ درصد جمعیت در نواحی شهری زندگی می‌کرده‌اند. در گذشته اکثریت مردم ناچار بودند به کشاورزی بپردازند، خوراک و سایر وسایل زندگی‌شان را خود تهیه کنند، اما امروزه بیش از ۹۰ درصد مردم در نواحی شهری زندگی می‌کنند و کمتر از ۲ تا ۳ درصد جمعیت به کار و تولید کشاورزی مشغولند. علمای تاریخ نیز در حال حاضر تحت تأثیر نتایجی که از مطالعات جامعه‌شناسی به دست آمده است، ابعاد جدیدی را مورد توجه قرار داده‌اند. هم‌چنین اگر جامعه را در بُعد تاریخی آن بنگریم، زندگی جوامع شامل یک رشته تغییرات و دگرگونی‌هایی است که خود ناشی از عوامل گوناگونند. به این ترتیب می‌توان گفت جامعه‌شناسی هم‌چنین به مطالعه چگونگی تحولات تاریخی جوامع نیز می‌پردازد؛ و در پی درک علل حاکم بر این تغییرات و دگرگونی‌هاست.

- ۱- چرا در تاریخ، پدیده‌ها به شیوه «مشاهده غیرمستقیم» بررسی می‌شوند؟
- ۲- چرا نتایج مطالعات تاریخی کاملاً یکسان نیست؟
- ۳- منابع کسب اطلاعات از حوادث گذشته به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؟ توضیح دهید.
- ۴- نقش مورخ در حفظ و انتقال میراث‌ها و دستاوردهای تاریخ بشر را توضیح دهید.
- ۵- صفات لازم برای مورخ را بیان کنید.
- ۶- مراحل کار مورخ را به‌طور خلاصه توضیح دهید.

- ۱- یک نمونه از پدیده‌های مربوط به مشاهده غیرمستقیم را انتخاب و گزارشی درباره آن تهیه کنید (نظیر تاریخچه بنای مدرسه، مسجد یا محله خود).
- ۲- با مطالعه یک کتاب تاریخی (یا یک بخش از آن) و با در نظر گرفتن خصوصیات لازم برای مورخ، نظر خود را درباره نویسنده آن بنویسید.

زمان و اهمیت آن در تاریخ

بررسی یک رویداد، بدون توجه به زمان وقوع آن، منجر به درکی نادرست یا ناقص از آن پدیده خواهد شد. همان‌طور که هر علمی براساس یک سلسله اصول بدیهی و ستون‌های اصلی بنا شده است، زمان نیز یکی از اصول اساسی علم تاریخ است.



توجه به زمان تنها مختص مورخان نیست بلکه انسان از آغاز زندگی در کره زمین با این پدیده و سنجش آن مواجه شده است. وقت‌شناسی و ترتیب و تنظیم اوقات و سنجش زمان از جمله مسائل و مشکلات انسانی بوده است و می‌توان گفت که اندازه‌گیری زمان یکی از دستاوردهای تمدن بشری محسوب می‌شود. «مارتین نیلسون^۲» مورخ سوئدی می‌گوید: «مهم‌ترین

یکی از ارکان مهم علم تاریخ زمان^۱ است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید در بررسی‌های تاریخی، زمان از چه جایگاهی برخوردار است؟ و تحقیقات تاریخی بدون در نظر گرفتن زمان وقوع یک رویداد چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۱- در تعریف زمان دانشمندان تعاریف متعددی ارائه داده‌اند. از نگاه علم فیزیک، زمان عبارت است از آن کمیت فیزیکی که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود. برخی از دانشمندان معتقدند زمان محیطی است عمومی که همه وقایع در آن به توالی یا ظاهراً به توالی رخ می‌دهد. و به وسیله تغییر است که ما بر زمان آگاهی داریم و آن را اندازه می‌گیریم و به تعبیر دیگر زمان چیزی است که بدون کمترین تأملی صحیح و واقعی فرض می‌کنیم. زیرا گذشت آن را تجربه می‌کنیم و برای ما زمان همواره حرکتی رو به آینده دارد...

۲- Martin P. Nilsson

مورخان برای بررسی دقیق‌تر رویدادهای تاریخی، به‌طور اعتباری به تقسیم‌بندی‌هایی از زمان گذشته دست زده‌اند، مانند قرن، دوره، هزاره و... به‌عنوان مثال می‌توان از تقسیم‌بندی گذشته بشر به دوره پیش از تاریخ (دوره ماقبل اختراع خط) و دوره تاریخی (دوران اختراع خط) یاد کرد.

عمل هوشمندانه در تاریخ، زمان‌شماری است. هرچه دانش بشری در شمارش دقیق زمان پیشرفت بیشتری کرد، وقایع تاریخی دقیق‌تر ثبت و ضبط شدند. بنیادی‌ترین پرسش‌های مورخان به هنگام بررسی یک رویداد عموماً عبارتند از:

- ۱- واقعه در چه زمانی اتفاق افتاد؟
- ۲- واقعه در کجا روی داد؟
- ۳- واقعه چگونه و چرا روی داد؟



در تقسیم‌بندی دیگری مورخان و زمان‌شناسان زمان را به سه بخش تقسیم کرده‌اند.

۱- زمان‌های کوتاه، که با ساعت اندازه‌گیری می‌شود، (مانند ثانیه، دقیقه، ساعت و...).

۲- زمان‌های طولانی که در تقویم‌ها و گاه‌شمارها آمده‌اند (مانند هفته، ماه، سال و...).

۳- دوران‌های زمان شمار تاریخی که از سال‌های متمادی تشکیل شده‌اند (مانند قرن، هزاره، دوره و...).

سیر آن را در آسمان می‌دید و در غروب خورشید و با آمدن شب وضعیت ماه را نظاره می‌کرد. به جز گردش شبانه‌روز و گردش ماه، انسان‌های اولیه متوجه تکرار منظم بعضی از امور طبیعی از جمله تغییرات فصلی، مانند فصل شکوفه و

پیدایش تقویم و اهمیت آن در زندگی بشر

به نظر شما چگونه توجه انسان به عامل زمان جلب شد و درک انسان از این پدیده چگونه بود؟ اولین توجه انسان‌های اولیه به زمان، گردش شبانه‌روز بود^۱. او هر صبح طلوع خورشید و

۱- خداوند در آیه ۱۲ سوره اسراء می‌فرماید: و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیم تا در آن فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سال‌ها و حساب (عمرها و رویدادها) را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.

مهم‌ترین مبداهای تقویم در جهان

انسان‌ها در طول زندگی خود مبداهای متفاوتی را برای زمان شماری در نظر گرفته‌اند. در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- **مبدأ دینی:** این مبدأ در میان بسیاری از مردم و ملت‌های جهان پذیرفته شده و عمومیت دارد. در این مبدأ یک واقعه بزرگ دینی به‌عنوان مبدأ آن تقویم قرار می‌گیرد. مانند تقویم هجری قمری که مبدأ آن هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و یا تقویم میلادی که تولد حضرت مسیح (ع) مبدأ آن قرار گرفته است.

۲- **مبدأ ملی و قومی:** برخی از ملت‌ها وقایع و حوادث خاص ملی و یا قومی خود را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مثلاً تاریخ جلوس یک فرمانروا و یا تاریخ پیروزی در یک نبرد میهنی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند.

۳- **مبدأ مبتنی بر حوادث طبیعی:** برخی از ملت‌ها یک حادثه و رویداد بزرگ طبیعی مانند طوفانی سهمگین و یا زلزله‌ای ویرانگر و یا آتشفشانی هولناک و از این قبیل حوادث طبیعی را به‌عنوان مبدأ تقویم خود انتخاب می‌کردند. مانند

بهار، فصل رسیدن میوه‌ها، موسم برگ‌ریزان، فصل سرما و یخبندان و... شدند. این موارد نیز از نشانه‌های توجه انسان به عامل زمان بود. برخی از دانشمندان معتقدند تقویم و گاه‌شماری از زمانی آغاز گشت که انسان، کشاورزی را به‌عنوان شیوه اصلی معیشت خود برگزید و در یک مکان ساکن شد و براساس تجربه متوجه تکرار زمان بذرافشانی و زمان برداشت محصولات کشاورزی شد^۱. محاسبه و اندازه‌گیری زمان کاشت و برداشت و زمان آبیاری، ضرورت توجه دقیق‌تر به زمان و ساختن وسیله‌ای برای اندازه‌گیری آن را جدی‌تر کرد. بنابراین دستگاه اندازه‌گیری زمان (تقویم) ساخته شد و طی قرون متمادی با گسترش علم نجوم و ریاضیات کامل‌تر شد. تقویم^۲ در تعریفی کلی، نظامی است که انسان برای محاسبه و اندازه‌گیری زمان طولانی و به‌خصوص سال و ماه اختراع کرده است.

بنابراین کاربرد مهم تقویم محاسبه و اندازه‌گیری دقیق زمان است. برای اندازه‌گیری زمان در هر تقویم باید مبدایی انتخاب شود. بدون وجود مبدأ، سنجش زمان امکان‌پذیر نیست.

۱- شاید به همین دلیل بود که نخستین نظام‌های گاه‌شماری در اولین کانون‌های کشاورزی، یعنی مصر و بابل بنیان‌گذاری شد.

۲- در اصطلاح نجومی تقویم عبارت است از مجموعه‌ای از اصول و قوانین که برای تقسیم و تنظیم زمان، به سال، ماه، هفته و روز که براساس گردش زمین به دور خورشید و گردش ماه به دور زمین و گردش زمین به دور خود تنظیم و تدوین شده است.

۳- برخی از محققان از این مبدأ به‌عنوان مبدأ ارضی (زمینی) نام برده‌اند. در این مورد نگاه کنید به نبی، ابوالفضل: تقویم و تقویم‌نگاری

در ایران، آستان قدس، ۱۳۶۶، صفحه ۲۱ تا ۲۴.

- سومریان که تاریخ خود را به قبل از طوفان و بعد از طوفان تقسیم کرده بودند.
- ۴- مبدأ نجومی: برخی از منجمان و ملی معتقدند که باید یک حادثه بزرگ کیهانی و نجومی را به عنوان مبدأ تقویم قرار داد زیرا این مبدأ از مقبولیت عام برخوردار خواهد شد. مثل طلوع ستاره‌ای خاص و یا یک خسوف و یا یک انفجار سیاره‌ای و... البته این نوع مبدأ به جز منجمان چندان مورد توجه سایر مردم نیست^۱.
- دولت‌ها و ملت‌ها همواره به منظور امور دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و برخی امور دیگر به تقویم نیازمند بودند. مهم‌ترین کاربردهای تقویم عبارت بودند از:
- مناسبت‌های دینی (ایام حج، روزه و...)
 - تنظیم دفترهای بودجه سالیانه
 - تنظیم زمان دریافت مالیات و خراج
 - تنظیم و تعیین زمان پرداخت مخارج و هزینه‌های دولت
 - تعیین و تنظیم زمان قراردادها و عهدنامه‌ها
 - تعیین زمان جنگ و زمان‌های سعد (فرخنده) و نحس (شوم).



نمونه‌ای از اسطرلاب‌هایی که در گذشته برای اندازه‌گیری زمان و جهت‌یابی مورد استفاده ستاره‌شناسان و دریانوردان قرار می‌گرفت.

۱- لازم به توضیح است که این تقسیم‌بندی‌ها اعتباری و نسبی هستند و قطعیت ندارند.

سعد و نحس

حکومت‌ها در قدیم به منظور انجام پاره‌ای از امور نظیر جلوس و تاج‌گذاری، جنگ و یا صلح، عقد قراردادهای مهم و مانند این‌ها و مردم عادی نیز به منظور انجام برخی از امور مدنی و اجتماعی و... به زمان خوب، میمون و مبارک (سعد) و زمان بد، نامبارک (نحس)، اعتقاد داشتند. منجمان اولیه که در واقع طالع‌بین هم محسوب می‌شدند، معتقد بودند بین این زمان‌ها و حرکت کواکب و سیارات ارتباط برقرار است و در واقع بین سرنوشت انسان‌ها و حرکت سیارات و طلوع و غروب آنها نوعی پیوند وجود دارد. منجمان قدیم سیاره‌های «زحل» و «مریخ» را نحسین یا دو نحس می‌خواندند و سیاره‌های مشتری و زهره را سعدین و یا دو سعد می‌نامیدند. آنان با رصد سیارات و ستارگان در صورت مشاهده سیارات سعد (مشتری و زهره) انجام یک کار را مبارک و میمون و خوش فرجام قلمداد می‌کردند و با رصد سیارات نحس (زحل و مریخ) انجام آن کار را نامبارک و بدفرجام پیش‌بینی می‌کردند. از این‌رو منجمان در دربار پادشاهان از اهمیت زیادی برخوردار بودند.

نگاهی به برخی از تقویم‌های جهان

ترتیب دادند. در گاه‌شماری بابلیان، مبدأ شمارش سال‌ها، جلوس پادشاهان بود، به گونه‌ای که با جلوس هر پادشاه، مبدأیی نو به وجود می‌آمد. سال به ۱۲ ماه ۳۰ یا ۲۹ روز تقسیم می‌شد. نخستین ماه تقویم بابلی نِیسانو^۲ بود که روز اول نِیسانو (نوروز) بود و ماه دوازدهم ادارو^۳ نام داشت. برای تعدیل و ازین بردن اختلاف طول

در میان دو رود گاه‌شماری خورشیدی قمری^۱ مرسوم بوده است و پیشینه اختراع این نوع گاه‌شماری را نزدیک به اختراع خط می‌دانند. بابلی‌ها که از پیشگامان علم گاه‌شماری و نجوم بودند، تقویمی درست کردند که بعدها مصریان و هخامنشیان تقویم خود را براساس آن

۱- سال آن شمسی و ماه آن قمری ۳۰ یا ۲۹ روزه بود.

۲- Nissanu

۳- Addaru

سال‌های خورشیدی و قمری هر سه سال یک بار ماه سیزدهمی به سال می‌افزودند و آن را در بابل آداری دوم می‌نامیدند.

یکی از ملت‌های باستانی که گاه‌شماری نسبتاً پیشرفته‌ای داشتند، مصریان بودند؛ زیرا آنان در نجوم و ریاضیات به موفقیت‌های زیادی دست یافته بودند و مبنای تقویم بولیانی (قیصری) و تقویم میلادی امروز براساس تقویم مصری است. مصریان سال را ۳۶۵ شبانه‌روز و $\frac{1}{4}$ حساب می‌کردند.

سال آنها دارای ۱۲ ماه ۳۰ روزه بود که بر روی هم ۳۶۰ شبانه‌روز می‌شد و پنج روز اضافی سال را به آخر ماه دوازدهم سال می‌افزودند^۱. بنابراین تقویم مصریان ۱۱ ماه ۳۰ روزه داشت و ماه دوازدهم آنها ۳۵ روزه بود. و با حساب کردن روز در هر سال با گذشت سه سال، در سال چهارم ماه ۳۵ روزه را ۳۶ روز حساب می‌کردند. مبدأ تقویم در این کشور مقارن با سلطنت هر پادشاه بود.

یکی دیگر از تقویم‌های کهن، تقویم رومی است. در این تقویم هر سال دارای ۱۰ ماه بود و هر ماه به نام یکی از پهلوانان و خدایان اساطیری رومی نام‌گذاری می‌شد. بعدها دو ماه دیگر به آن ۱۰ ماه اضافه شد. از آن‌جا که سال رومی‌ها شمسی و

ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ روز بود، اختلاف ۱۱ روز سال شمسی با سال قمری موجب بی‌نظمی‌های فراوانی در این تقویم می‌شد. مثلاً مراسمی که باید در زمستان برگزار می‌شد در بهار برپا می‌گردید. در نتیجه در زمان ژولیوس سزار (قیصر روم) اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت^۲. این تقویم تا ۱۵۰۰ سال بعد رواج داشت. تا این‌که در زمان پاپ گرگوار سیزدهم اصلاحاتی در این تقویم صورت گرفت. این تقویم که به تقویم گریگوری^۳ شهرت دارد هنوز مورد استفاده اکثر کشورهای مسیحی است.

تقویم رایج بیشتر کشورهای اسلامی تقویم هجری قمری است. این تقویم به کلی قمری است. مبدأ این تقویم اول محرم سالی است که پیامبر (ص) از مکه به مدینه هجرت فرموده است^۴. تقویم هجری قمری مبتنی بر دوره حرکت ماه به دور زمین است. سال قمری ۱۲ ماه دارد که به تناوب ۳۰ و ۲۹ روزه است^۵. سال قمری ۳۵۴ شبانه‌روز و در سال‌های کبیسه ۳۵۵ شبانه‌روز است. با گسترش اسلام این تقویم به‌عنوان تقویم دینی مسلمانان در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران رواج یافت و هم‌اکنون نیز رایج است.

۱- مصریان این ۵ روز اضافی را اپاگومن («epagomen») نامیدند.

۲- به فرمان سزار یک منجم مصری به نام سوسیگنس در سال ۴۶ ق. تغییراتی براساس تقویم مصری در این تقویم به‌وجود آورد.

۳- Gregorian calendar. ۱۵۸۲ م.

۴- برابر با جمعه ۱۶ ژوئیه سال ۶۲۲ م. است.

۵- خداوند در آیه ۳۵ سوره توبه می‌فرماید: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ... به‌درستی که شمار ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است و...

سال کیسه

به سال ۳۶۶ شبانه‌روزی سال کیسه گویند. از آن‌جا که مدت زمان حرکت انتقالی زمین به دور خورشید ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه و ۸ صدم ثانیه است برای تطبیق سال حقیقی با سال تقویمی با احتساب خرده ساعت‌های اضافه بر ۳۶۵ شبانه‌روز، ۳ سال متوالی را ۳۶۵ شبانه‌روز و سال چهارم را ۳۶۶ شبانه‌روز حساب می‌کنند. این اقدام نخستین بار در سال ۴۶ ق.م. در زمان ژولیوس سزار امپراتور روم صورت گرفت.

پیشینه تقویم در ایران

در تقویم اوستایی نام روزها و ماه‌ها مربوط به خدا و ایزدان زردشتی است. اسامی ماه‌های تقویم رسمی رایج در کشور ما برگرفته از تقویم اوستایی است. در دوره اشکانیان روز و ماه تقویم اوستایی به‌کار می‌رفت. اما سال را براساس مبدأ خودشان یعنی تأسیس حکومت اشکانیان شمارش می‌کردند. در دوره ساسانیان نیز گاه‌شماری اوستایی با تفاوت‌هایی رایج بود. مبدأ این تقویم در دوره ساسانیان آغاز پادشاهی و جلوس هر پادشاه بر تخت بود. از آن‌جا که در این تقویم سال را ۳۶۵ شبانه‌روز می‌گرفتند، در هر ۴ سال یک شبانه‌روز و در هر ۱۲۰ سال ۳۰ شبانه‌روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتاد. برای رفع این مشکل آنان بعد از هر ۱۲۰ سال یک ماه به دوازده ماه سال اضافه می‌کردند و آن سال سیزده ماهه می‌شد.^۲

پیشینه تقویم و گاه‌شماری در ایران به قبل از دوره هخامنشیان بازمی‌گردد. در دوره هخامنشیان گاه‌شماری شمسی قمری بابلی رایج بود. از ویژگی‌های این تقویم این بود که آغاز سال با آغاز پاییز یکی بود و اولین ماه سال با جشن‌هایی هم‌زمان می‌شد. مبدأ این تقویم آغاز سلطنت هر شاه بود و روزهای هر ماه را شمارش می‌کردند. در این تقویم سال به چهار فصل تقسیم می‌شد. بسیاری از محققان معتقدند که در اوایل حکومت داریوش یکم این نوع گاه‌شماری منسوخ و گاه‌شماری اوستایی به‌جای آن رایج شد. سال در تقویم اوستایی ۳۶۵ شبانه‌روز بود. هر سال به ۱۲ ماه ۳۰ شبانه‌روزی و ۵ شبانه‌روز که به‌عنوان پنجه^۱ به آخر سال اضافه می‌کردند، تقسیم می‌شد.

۱- به آن پنجه دزدیده یا خمسه مسترقه و یا بهیزک کوچک، نیز می‌گویند.

۲- این ماه را بهیزک (کیسه) بزرگ می‌نامیدند.

اسامی ماه‌ها و روزها در تقویم اوستایی

اسامی ماه‌ها		
دی	مهر	تیر
بهمن	آبان	مرداد
اسفند	آذر	شهریور
اسامی روزهای ماه		
۲۱- رام	۱۱- خور	۱- هرمز
۲۲- باد	۱۲- ماه	۲- بهمن
۲۳- دی‌بدین	۱۳- تیر	۳- اردیبهشت
۲۴- دین	۱۴- جوش	۴- شهریور
۲۵- ارد	۱۵- دی‌بمهر	۵- اسفندارمذ
۲۶- اشتاد	۱۶- مهر	۶- خرداد
۲۷- آسمان	۱۷- سروش	۷- مرداد
۲۸- زامیاد	۱۸- رشن	۸- دی‌بآذر
۲۹- ماراسفند	۱۹- فروردین	۹- آذر
۳۰- انیران	۲۰- بهرام	۱۰- آبان

اسامی ماه‌ها در تقویم هجری شمسی، میلادی و هجری قمری. این ماه‌ها معادل هم نیستند.

میلادی	هجری قمری	هجری شمسی
۱- ژانویه	۱- محرم	۱- فروردین
۲- فوریه	۲- صفر	۲- اردیبهشت
۳- مارس	۳- ربیع‌الاول	۳- خرداد
۴- آوریل	۴- ربیع‌الثانی	۴- تیر
۵- مه	۵- جمادى‌الاول	۵- مرداد
۶- ژوئن	۶- جمادى‌الآخر	۶- شهریور
۷- ژوئیه	۷- رجب	۷- مهر
۸- اوت	۸- شعبان	۸- آبان
۹- سپتامبر	۹- رمضان	۹- آذر
۱۰- اکتبر	۱۰- شوال	۱۰- دی
۱۱- نوامبر	۱۱- ذى‌القعدة	۱۱- بهمن
۱۲- دسامبر	۱۲- ذى‌الحجه	۱۲- اسفند



عمر خیام، دانشمند
برجسته ایرانی

ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ ق.م) و وزیر دانشمند و کاردان او خواجه نظام الملک، مجمعی از منجمان از سال ۴۶۷ ق.م به امر ملکشاه مأمور اصلاح تقویم شدند. سرانجام پس از چهار سال تلاش منجمان به رهبری عمر خیام^۱ متوجه شدند

با ورود اسلام به ایران تقویم هجری قمری به مرور در ایران رایج شد. این تقویم مبتنی بر فصول طبیعی سال نبود و چندان با روند زندگی کشاورزی ایرانیان مطابقت نمی‌کرد. از سویی به علت عدم اجرای کیبسه در تقویم یزدگردی، نوروز از نقطه اعتدال بهاری خارج شده بود؛ و کارگزاران مالیاتی برای زمان دریافت مالیات‌ها و مردم جهت زمان پرداخت آن دچار زحمات فراوان شدند. در دوران حاکمیت امپراتوری سلجوقیان به علت وسعت قلمرو، حاکمیت امنیت و سازمان اداری منظم و پیشرفته جهت رفع این مشکل چاره‌جویی شد به‌طوری که در عهد جلال‌الدین



۱- دربارهٔ کسانی که در مجمع منجمان و اصلاح تقویم دخالت و حضور داشتند نظرات یکدستی وجود ندارد ولی بسیاری از افراد، اشخاصی چون عمر بن ابراهیم خیامی، ابوالمظفر اسفزاری، میمون بن نجیب واسطی، خواجه عبدالرحمن خازنی و برخی دیگر را نام برده‌اند.

به‌عنوان تقویم دینی پا به پای این فراز و نشیب‌ها در ایران کاربرد داشته و دارد. بسیاری از متون تاریخی و اسناد این دوره با تقویم دوازده حیوانی و تقویم هجری قمری به‌صورت توأمان تاریخ‌گذاری شده است.

تقویم رسمی ایران هجری شمسی بر پایه تقویم جلالی است که به موجب قانون تاریخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ ش.^۲ رسمیت یافت. این قانون سال‌های تقویم دوازده حیوانی و معادل فارسی آن

۱- سچقان ییل	۱- موش
۲- اود ییل	۲- گاو
۳- بارس ییل	۳- پلنگ
۴- توشقان ییل	۴- خرگوش
۵- لوی ییل	۵- نهنگ
۶- ییلان ییل	۶- مار
۷- یونت ییل	۷- اسب
۸- قوی ییل	۸- گوسفند
۹- پیچی ییل	۹- میمون
۱۰- تغاقوی ییل	۱۰- مرغ
۱۱- ایت ییل	۱۱- سگ
۱۲- تنگوز ییل	۱۲- خوک

که تقویم یزدگردی هجده روز از اول فروردین حقیقی جلو افتاده است؛ بنابراین آن را کبیسه کردند. می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی این تقویم این است که نخستین کبیسه به هنگام رسمیت بخشیدن این تقویم اعمال شد^۱. در این تقویم سال با اول فروردین شروع می‌شد. سال به چهار فصل طبیعی بهار، تابستان، پاییز و زمستان تقسیم و به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می‌شد. خسته مسترجه را در آخر اسفند اضافه کردند و هر چهارسال یا پنج سال یک روز را کبیسه و آن را ۳۶۶ روز حساب کردند. بنابراین هدف اصلی اصلاح گاه‌شماری در زمان جلال‌الدین ملک‌شاه تثبیت نوروز در آغاز بهار (اعتدال بهاری) بود. تقویم شمسی رایج در ایران براساس تقویم جلالی است. این تقویم یکی از دقیق‌ترین تقویم‌های جهان است.

با چیرگی مغولان بر ایران نوعی گاه‌شماری به‌نام تقویم دوازده حیوانی^۲ در ایران رایج شد. این تقویم شمسی قمری است، یعنی سال آن شمسی و ماه‌های آن قمری ۲۹ یا ۳۰ شبانه‌روزی و دارای یک دوره ۱۲ ساله حیوانی است. پادشاهان صفوی و قاجار این تقویم را تقویم رسمی اعلام کردند. از سال ۱۳۰۴ ش. استفاده از آن منع و به کلی منسوخ شد. گفتنی است تقویم هجری قمری

۱- مبدأ این تقویم جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ ق. مطابق با پانزدهم مارس ۱۰۷۹ م. است.

۲- این تقویم به ترکی، مغولی، ختایی، غازانی و اُفغوری نیز مشهور است. سازندگان این تقویم هر سال را به‌نام جانوری نامیدند و وقایع و حوادث آن سال را از طبع و خوی آن حیوان استنباط می‌کردند.

۳- برابر با ۱۳۴۴ ق. و ۱۹۲۵ م.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تثبیت شد. بر طبق این قانون مبدأ این تقویم هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه است و اسامی ماه‌ها برگرفته از ماه‌های ایرانی اوستایی است.

تبدیل تاریخ

پژوهشگران مسائل تاریخی همواره در مطالعات اسناد و مدارک تاریخی با تاریخ‌گذاری‌هایی مواجه می‌شوند که این تاریخ‌گذاری‌ها براساس تقویم‌های رایج زمان هر کشور ثبت شده‌اند. برخی روش‌های معروف تبدیل تاریخ عبارت است از:

۱- تبدیل سال هجری قمری به میلادی

از طریق فرمول هارتنر

فرمول

$$(\text{سال هجری قمری} = ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \text{ سال میلادی})$$

مثال ۱: سال مورد نظر سال ۶۱ هجری

قمری

$$۱) ۶۲۲ + \frac{۳۲}{۳۳} \times ۶۱ =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۶۱}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۱۹۵۲}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۵۹/۱ = ۶۸۱/۱$$

میلادی

سال مورد نظر ۶۸۱ است (سال شهادت

امام حسین (ع) در کربلا).

مثال ۲: سال مورد نظر ۱۳۵۸ هجری قمری

$$۱) ۶۲۲ + (\frac{۳۲}{۳۳} \times ۱۳۵۸) =$$

$$۲) ۶۲۲ + \frac{۳۲ \times ۱۳۵۸}{۳۳} =$$

$$۳) ۶۲۲ + \frac{۴۳۴۵۶}{۳۳} =$$

$$۴) ۶۲۲ + ۱۳۱۶/۸ = ۱۹۳۸ + ۱ = ۱۹۳۹$$

توجه: حتماً به هنگام تقسیم، یک رقم

اعشار می‌رویم. اگر ارقام اعشاری مازاد بر ۵/۰

باشد عدد ۱ را به سال به‌دست آمده اضافه می‌کنیم

(مثال ۲) و اگر کمتر از ۵/۰ باشد، اعشار را حذف

می‌کنیم (مثال ۱). به‌دلیل این‌که در مثال (۲) رقم

اعشاری مازاد بر ۵/۰ است عدد ۱ را به سال

به‌دست آمده اضافه می‌کنیم. بنابراین سال به‌دست

آمده ۱۹۳۹ میلادی است.

۲- تبدیل سال میلادی به هجری قمری

از طریق فرمول هارتنر

$$\text{فرمول: (سال میلادی} - ۶۲۲) \times \frac{۳۳}{۳۲} = \text{سال هجری قمری}$$

مثال: سال مورد نظر ۱۸۱۲ میلادی

$$۱) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۸۱۲ - ۶۲۲) =$$

$$۲) \frac{۳۳}{۳۲} (۱۱۹۰) =$$

$$۳) \frac{۳۳ \times ۱۱۹۰}{۳۲} =$$

$$۴) \frac{۳۹۲۷۰}{۳۲} = ۱۲۲۷/۱$$

چون رقم اعشاری کمتر از ۵/۰ است

بنابراین به حساب نمی‌آید و حذف می‌شود. بنابراین

سال مورد نظر ۱۲۲۷ هجری قمری است.

جدول (۱)

تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی	
اول فروردین = ۲۱ مارس	برابر با سومین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اردیبهشت = ۲۱ آوریل	برابر با چهارمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول خرداد = ۲۲ مه	برابر با پنجمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول تیر = ۲۲ ژوئن	برابر با ششمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول مرداد = ۲۳ ژوئیه	برابر با هفتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول شهریور = ۲۳ اوت	برابر با هشتمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول مهر = ۲۳ سپتامبر	برابر با نهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول آبان = ۲۳ اکتبر	برابر با دهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول آذر = ۲۲ نوامبر	برابر با یازدهمین ماه سال میلادی، ۳۰ روز دارد.
اول دی = ۲۲ دسامبر	برابر با دوازدهمین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول بهمن = ۲۱ ژانویه	برابر با اولین ماه سال میلادی، ۳۱ روز دارد.
اول اسفند = ۲۰ فوریه	برابر با دومین ماه سال میلادی در سال‌های عادی ۲۸ روز و در سال‌های کبیسه ۲۹ روز دارد.

جدول (۲)

تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی	
اول ژانویه برابر با ۱۱ دی	
اول فوریه برابر با ۱۲ بهمن	
اول مارس برابر با ۱۰ اسفند (در سال کبیسه ۱۱ اسفند)	
اول آوریل برابر با ۱۲ فروردین	
اول مه برابر با ۱۱ اردیبهشت	
اول ژوئن برابر با ۱۱ خرداد	
اول ژوئیه برابر با ۱۰ تیر	
اول اوت برابر با ۱۰ مرداد	
اول سپتامبر برابر با ۱۰ شهریور	
اول اکتبر برابر با ۹ مهر	
اول نوامبر برابر با ۱۰ آبان	
اول دسامبر برابر با ۱۰ آذر	

اقتباس از کتاب فریدناندو وستنفلد و ادوارد ماہلر؛
تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی
با مقدمه و تجدیدنظر از دکتر حکیم‌الدین قریشی.

✓ تبدیل روز و ماه و سال هجری شمسی به روز و ماه و سال میلادی

از طریق جدول (۱)

مراحل کار عبارتند از:

- ۱- ابتدا به جدول (۱) مراجعه کنید و معادل اول ماه شمسی را پیدا کنید.
 - ۲- دقت کنید که تاریخ موردنظر شمسی مربوط به کدام قسمت از سال شمسی است یعنی قبل از ۱۱ دی یا بعد از ۱۱ دی ماه است؟
 - ۳- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین اول فروردین و ۱۱ دی باشد سال شمسی را با عدد ۶۲۱ جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.
 - ۴- در صورتی که تاریخ موردنظر شمسی بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند بود سال ۶۲۲ را با سال شمسی جمع می‌کنیم. عدد به‌دست آمده سال میلادی است.
- مثال: ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ هجری شمسی برابر با کدام روز، ماه و سال میلادی است؟

- ۱- اول بهمن مطابق با ۲۱ ژانویه است.
 - ۲- ۲۲ بهمن مطابق با ۱۱ فوریه است.
 - ۳- چون ۲۲ بهمن بین ۱۱ دی و ۲۹ یا ۳۰ اسفند قرار دارد، بنابراین به تاریخ شمسی موردنظر عدد ۶۲۲ می‌افزاییم.
- $$۱۳۵۷ + ۶۲۲ = ۱۹۷۹$$
- بنابراین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ برابر است با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی

✓ تبدیل روز، ماه و سال میلادی به روز، ماه و سال هجری شمسی

از طریق جدول شماره (۲)

مراحل کار به‌ترتیب ذیل انجام می‌شود.

- ۱- اگر سال میلادی موردنظر، بین اول ژانویه تا ۲۰ مارس باشد، عدد ۶۲۲ را از سال میلادی کم می‌کنیم عدد به‌دست آمده سال شمسی است.
- ۲- اگر سال میلادی موردنظر، بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار داشته باشد، عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

مثال: ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر با کدام روز، ماه و سال هجری است؟

۱- اول اوت برابر است با ۱۰ مرداد

۲- ۵ اوت برابر است با ۱۴ مرداد

۳- از آنجا که تاریخ موردنظر میلادی بین ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر قرار دارد

عدد ۶۲۱ را از سال میلادی کم می‌کنیم.

$$۱۲۸۵ = ۶۲۱ - ۱۹۰۶$$

بنابراین، ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی برابر است با ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی

✓ روش تبدیل سال هجری قمری به ضرب می‌کنیم.

سال هجری شمسی (۲) حاصل ضرب را بر عدد ۳۵۴ تقسیم

۱- سال هجری قمری موردنظر را در عدد می‌کنیم.

۱۱ ضرب می‌کنیم. (۳) سپس عدد به دست آمده را به سال

۲- سپس حاصل ضرب را بر عدد ۳۶۵ شمسی اضافه می‌کنیم.

مثال: سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برابر با تقسیم می‌کنیم.

۳- نتیجه به دست آمده را از سال قمری

موردنظر کم می‌کنیم. سال به دست آمده سال هجری

شمسی است.

مثال: سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر با

کدام سال هجری شمسی است؟

$$۱) ۱۲۶۸ \times ۱۱ = ۱۳۹۴۸$$

$$۲) ۱۳۹۴۸ \div ۳۶۵ = ۳۸$$

$$۳) ۱۲۶۸ - ۳۸ = ۱۲۳۰$$

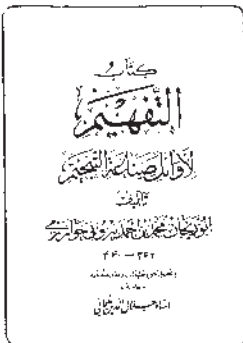
بنابراین سال ۱۲۶۸ هجری قمری برابر

است با سال ۱۲۳۰ هجری شمسی.

روش تبدیل سال هجری شمسی به سال

هجری قمری

(۱) سال شمسی موردنظر را در عدد ۱۱



ابوریحان بیرونی دانشمند ایرانی از نخستین کسانی است که درباره گاه‌شماری و نجوم تحقیقاتی انجام داد.

حساب جُمَّل و «ماده تاریخ، چیست؟

از قدیم‌الایام منجمین و تقویم‌نویسان برای ثبت بسیاری از اطلاعات نجومی و تقویمی ناچار بودند برای بسیاری از موضوعات موجود در تقویم علائم اختصاری قرار دهند، زیرا دفترهای تقویم گنجایش این همه اطلاعات را نداشت و برای این منظور برای هر یک از حروف الفبای عربی ارزش عددی ایجاد کردند. این حروف در اصطلاح نجومی «جُمَّل» و یا «حروف تقویمی» نام دارد. این حروف به شیوهٔ الفبای فینیقی نوشته می‌شود و هر کدام ارزش عددی واحدی دارد. به جدول صفحهٔ بعد توجه کنید.

این‌گونه نوشتن حروف را الفبای «ابجد» خواندند و برای سهولت در حفظ کردن آن به شکل زیر خوانده می‌شود «آبجد، هَوَز، حُطی، کَلِمَن، سَعْفَص، قَرَشْتُ، تَخَذ، ضَطْع»
 ماده تاریخ: یکی دیگر از کاربردهای حساب ابجد تنظیم ماده تاریخ بود. ماده تاریخ، کلمه، جمله، بیت و یا مصرعی است که مجموع حروف آن به حساب ابجد مطابق با تاریخ واقعه‌ای تاریخی یا رویدادی خاص باشد. مثل سال جلوس، وفات، فتح یک شهر و ... نویسندگان بسیاری از متون با ارزش ادبی و تاریخی ما ایرانیان، از زمان‌های دور برای ذکر زمان یک رویداد، از «ماده تاریخ» استفاده می‌کردند. بنابراین پژوهشگران تاریخ برای درک و شناسایی زمان این رویدادها، الزاماً باید با اصول این فن آشنایی داشته باشند.

توجه داشته باشید که برای به‌دست آوردن سال موردنظر باید ارزش عددی حروف آن کلمه یا قطعه شعر را با هم جمع کنید.

مثال:

شاه عالم پناه اسماعیل	تا شده مهر در نقاب شده
رفت خورشید و «ظل» شدش تاریخ	سایه تاریخ آفتاب شده

این «ماده تاریخ» نشانگر سال وفات شاه اسماعیل اول صفوی است. زیرا مجموع

ارزش عددی دو حرف «ظ» (۹۰۰) + «ل» (۳۰) ، سال ۹۳۰ هجری قمری است.

ارزش عددی و	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
ترتیب حروف ابجد	ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح
(۹)	(۱۰)	(۲۰)	(۳۰)	(۴۰)	(۵۰)	(۶۰)	(۷۰)	(۸۰)
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
(۱۰۰)	(۲۰۰)	(۳۰۰)	(۴۰۰)	(۵۰۰)	(۶۰۰)	(۷۰۰)	(۸۰۰)	(۹۰۰)
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
								(۱۰۰۰)

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین مبادی تقویم در جهان را نام برده و به اختصار شرح دهید.
- ۲- مهم‌ترین کاربرد تقویم توسط دولت‌ها و ملت‌ها در گذشته چه بود؟
- ۳- قبل از داریوش اول چه نوع تقویمی در ایران رایج بود و چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۴- در دوره ساسانیان چه نوع گاه‌شماری رایج بود؟ شرح دهید.
- ۵- روز، ماه و سال تولد خود را به روز و ماه و سال میلادی تبدیل کنید و سپس سال میلادی به دست آمده را به سال هجری قمری تبدیل کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- با راهنمایی دبیران محترم ادبیات و تاریخ، سه «ماده تاریخ» را از متون ادبی و یا تاریخی استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.
- ۲- در مصرع ذیل «ماده تاریخ» وفات حافظ آمده است؛ آن را استخراج کنید.
- ۳- بگو تاریخش از «خاک مصلی»
- ۳- آیا می‌توانید برای سال تولد خود یک «ماده تاریخ» بسازید؟